

نقش کارآفرینی سبز بر عملکرد زیست محیطی «بر اساس مدل خودسازماندهی»

لیلا میوه چی*^۱

جمشید عدالتیان شیریاری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۳ تاریخ چاپ: ۱۳۹۸/۱۱/۲۶

چکیده

اهمیت اصطلاح کارآفرینی سبز در دو حوزه علمی کارآفرینی و اقتصاد محیط زیست به حدی است که از یک طرف اقتصاددانان محیط زیست نواقص بازار را مهمترین دلایل آلودگی محیط زیست دانسته و از طرف دیگر، ادبیات کارآفرینی عنوان می نماید که نواقص بازار نقش مهمی در بهره برداری از فرصت های جدید توسط کارآفرینان پیشرو دارد. در این مقاله با مرور مطالعات پیشین و با معرفی کارآفرینی سبز و نقش آن در عملکرد زیست محیطی تحت چرخه «مدل خودسازماندهی» می پردازیم. در ادامه، عوامل اساسی این چرخه مانند نهادها و قوانین مرتبط، تکنولوژی کارآمد و بهبود عملکرد مورد بررسی قرار گرفته است. بطوریکه ارائه مدل برای مباحث کارآفرینی سبز، توجه به تکنولوژی حامی محیط زیست و تاثیرات نهادها (قوانین و بازار) از محورهای نتایج این تحقیق بوده است.

واژگان کلیدی

کارآفرینی سبز، عملکرد زیست محیطی، مدل خودسازماندهی.

^۱ دانشجوی دکتری کارآفرینی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: leila.mivehchi@gmail.com

^۲ استادیار گروه مدیریت، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران

dr.edalatian@yahoo.de

۱. مقدمه

کارآفرینی عنصر پویایی اقتصاد است و به عنوان یک مفهوم در حال تکامل، با توسعه علم و فناوری، تبدیل به عنصر مهمی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی شده است. در رابطه با نظریه های کارآفرینی طبقه بندی های مختلفی صورت گرفته بطوریکه یکی از این طبقه بندی ها شامل رهیافتهای اقتصادی بوده است (مقیم و همکاران، ۱۳۹۶). اقتصاددانان بر فاکتورهای بازار متمرکز شده و کارآفرین را به عنوان یک عامل منطقی و مشارکت کننده در فعالیت های اقتصادی در نظر می گیرند (فوکس^۱، ۲۰۰۵).

از ابتدای عصر انقلاب صنعتی و با توسعه فعالیتهای اقتصادی جهان طی دهه های گذشته، با هدف فراهم نمودن رفاه و وضعیت معیشتی بهتر برای مردم کشورها، انسان و دولتها بدون توجه به ملاحظات و الزامات زیست محیطی، دنیای امروز را دچار چالش ها و بحران های عظیمی چون تهی شدن منابع طبیعی، تغییرات آب و هوا، بحران آب، فرسایش خاکها و نابودی جنگل، تراکم و انباشت مواد زاید خطرناک و انواع آلودگی های زیست محیطی نموده است (هایامی^۲، ۱۳۹۲).

بر اساس دیدگاه اقتصاد دانان محیط زیست، منابع طبیعی و دارایی های متفاوت محیط زیستی به دلیل این که ارزش اقتصادی دقیقی ندارند از طریق فرآیند بازار آزاد به درستی تخصیص نیافته، ضمن اینکه نارسایی در قوانین فعلی در همین زمینه و نبود آگاهیهای محیط زیستی در بخش بزرگی از جامعه، منجر گردیده تا شرکت ها در ایجاد آلودگی (پیامدهای منفی) و بهره برداری بی رویه از منابع طبیعی نقش داشته و از پرداخت هزینه های جبرانی بابت تخریبی که ایجاد کرده اند معاف باشند (دین و مک مولن^۳، ۲۰۰۷).

نیکولاوا و همکارانش^۴ (۲۰۱۱) در پژوهش خود، پنج نقص عمده بازار را که منجر به ایجاد مشکلات زیست محیطی شده بصورت: کالاهای عمومی - آثار خارجی همانند ترافیک و تردد و یا آلودگی های منجر به کاهش رفاه مردم و افزایش هزینه های صاحبان تولید به جهت رعایت استانداردهای محیط زیستی - قدرت انحصاری فروش - اطلاعات ناقص و مداخله نامناسب دولتها معرفی نموده اند. با این وجود، ادبیات کارآفرینی نشان می دهد که برخی نقص های موجود در بازار، عامل ضروری برای بهره برداری از فرصت های جدید توسط کارآفرینان است. در واقع برخی از پیامدهای زیست محیطی، کارآفرینان را تشویق به ایجاد کسب و کارهای جدید در زمینه صنایع خدمات محیط زیستی می کند. بعبارت دیگر، تخریب محیط زیست منجر به فرصت های کارآفرینانه جدید می شود (عبدالله زاده و شریف زاده، ۱۳۹۳). در این پژوهش ضمن پرداختن به موضوعات کارآفرینی سبز (زیست محیطی) و همچنین بررسی نقش آن بر عملکرد زیست محیطی، سعی می کنیم تا این موضوع را در چرخه مدل خودسازماندهی بررسی کنیم. چرخه ای که نقش آفرینانش، در واقع نهاد ها و قوانین مرتبط می باشد.

¹ Fox

² Hayami

³ Dean and McMullen

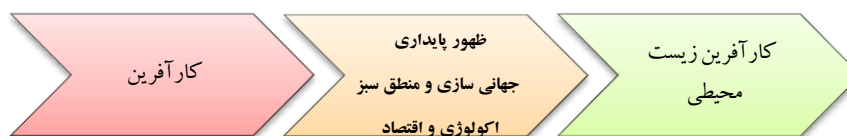
⁴ Nikolaoua

۲. مفهوم کارآفرینی سبز

عبارات کارآفرینی سبز، کارآفرینی زیست محیطی و کارآفرین سازگار با محیط زیست، برای نخستین بار در پژوهش های بنت^۵ (۱۹۹۱) و برله^۶ (۱۹۹۱) مورد استفاده قرار گرفت. بر اساس مرور این منابع، کارآفرینان سبز افرادی هستند که از فرصت های جدید کسب و کار و سرمایه گذاری که معمولاً از ریسک بالایی برخوردار بوده، استفاده نموده بطوریکه نتیجه این سرمایه گذاری ها در کسب و کار غالباً غیر قابل پیش بینی است. کارآفرینان سبز با داشتن انگیزه ذاتی، فعالیتهای کسب و کارشان، اثرات کلی مثبت بر محیط زیست طبیعی و پایداری اقتصادی ایجاد می نماید بطوریکه این فعالیتهای به طور آگاهانه معطوف به تضمین آینده های پایدارتر است. (رضایی و همکاران، ۲۰۱۶).

والنبرگ^۷ (۲۰۱۲) کارآفرینی سبز را عمل شروع کسب و کار جدید در پاسخ به یک فرصت شناخته شده برای کسب سود و حداقل سازی اثرات جانبی زیست محیطی دانسته اند.

کاره^۸ (۲۰۰۳) در پژوهش های خود علل نیاز به مسئولیت پذیری زیست محیطی را ۴ عامل: محدودیت منابع، رشد جمعیت، تخریب منابع طبیعی و کاهش تنوع زیستی عنوان نموده و دلایل نیاز به تبدیل رفتارهای کارآفرینانه به کارآفرینی زیست محیطی مطابق شکل می داند.



شکل ۱- تبدیل رفتار کارآفرینانه به کارآفرینی زیست محیطی - منبع: (Kare, 2003)

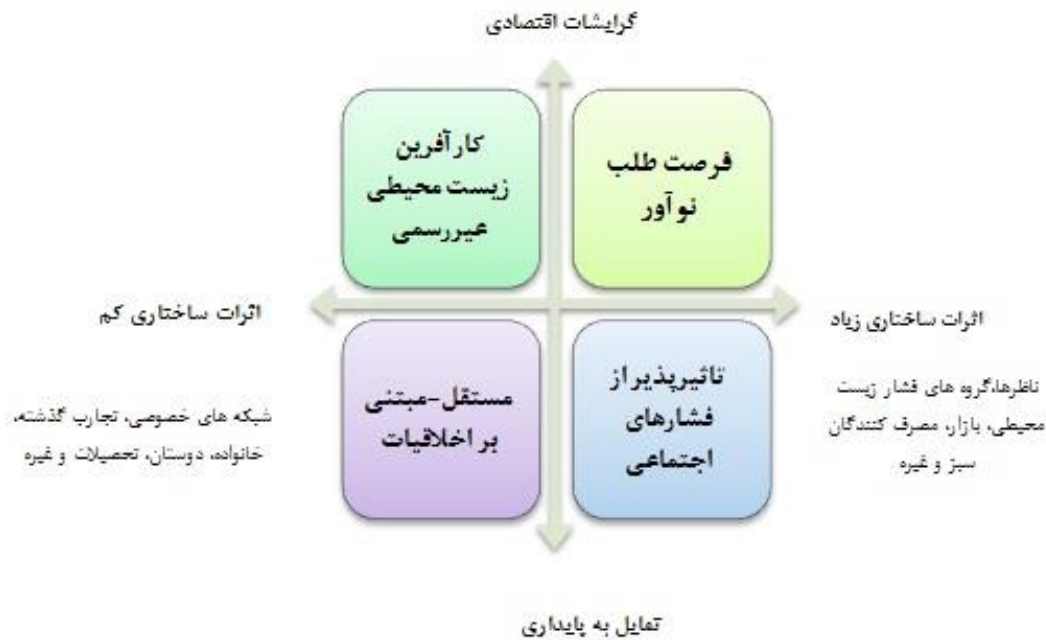
علاوه بر این - شکل ۲- نوع شناسی کارآفرین سبز را توضیح داده است. کاره (۲۰۰۳)، معتقد بود که چهار نوع کارآفرین سبز وجود دارد، یعنی «فرصت طلب نوآور»، «کارآفرین زیست محیطی غیر رسمی»، «مستقل مبتنی بر اخلاقیات» و «تاثیرپذیر از فشارهای اجتماعی». فرصت طلبان نوآور آن دسته از کارآفرینانی هستند که گرایش اقتصادی بالایی دارند و از نفوذ ساختاری بسیار بالایی برخوردارند (تنظیم کننده ها، گروه های فشار محیط، بازار، مصرف کنندگان سبز و غیره). کارآفرینان زیست محیطی غیررسمی، همچنین دارای جهت گیری اقتصادی بالایی هستند، اما دارای تأثیرات ساختاری کم می باشند (شبکه های شخصی، تجارب گذشته، خانواده و دوستان، تحصیلات و ...). در جهت گیری پایداری، معیارهای اخلاقی وجود دارد که دارای تأثیرات ساختاری کم بوده و در خصوص گروه تاثیرپذیر از فشارهای اجتماعی نیز، باید گفت که این گروه تمایل به تأثیرات ساختاری زیاد دارند.

⁵ Bennett

⁶ Berle

⁷ Wallenberg

⁸ Kare



شکل ۲- نوع شناسی کارآفرینی سبز - منبع: (Kare,2003)

۳. عملکرد زیست محیطی

سارومپ (۲۰۰۵) عملکرد زیست محیطی را بصورت مجموعه عملیات یک سازمان که سازگار با محیط زیست بوده و عمدتاً از طریق اندازه گیری معیارهای مشخص شده توسط نهادها و آژانس های مربوط ملی و بین المللی تعیین می گردند، تعریف نموده است. یکی از شاخص های بین المللی پذیرفته شده از طرف کشورهای جهان، شاخص عملکرد زیست محیطی (EPI)^۹ می باشد که بر دو سیاست محوری زیست محیطی «بهداشت محیط» و «سرزندگی اکوسیستم» استوار است. شاخص عملکرد زیست محیطی، با بهره گیری از ۲۴ نشانگر در ۱۰ مقوله سیاستی «بهداشت محیط»، «آب - اثرات بر سلامت انسان»، «آلودگی هوا - اثرات بر سلامت انسان»، «آلودگی هوا - اثرات زیست محیطی»، «منابع آب - اثرات زیست محیطی»، «تنوع زیستی»، «جنگل»، «شیلات»، «کشاورزی»، «تغییرات آب و هوا و انرژی» برآورد می گردد (مرکز قوانین و سیاست های زیست محیطی دانشگاه ییل^{۱۰}، ۲۰۱۸).

براساس پژوهشهای لوپز و میترا^{۱۱} (۲۰۰۰)، در کشورهای فقیر به دلیل پایین بودن در آمد سرانه، مردم نسبت به سایر نیازهای رفاهی خود، ارزش کمتری نسبت به محیط زیست قائل می شوند اما وقتی کشورها به یک سطح کافی از درآمد سرانه می رسند، توجه مردم به محیط زیست بیشتر می گردد چون با افزایش درآمد کسش در آمدی تقاضا برای محیط زیست مطلوبیتش بیشتر از یک بوده و محیط زیست در این کشورها به عنوان یک کالای لوکس تلقی می شود. این امر باعث می شود که ساختار سیاسی کشورها از طریق تدوین، تصویب و اجرای قوانین زیست محیطی مناسب، سیاست های

⁹ Environmental Performance Index

¹⁰ Yale Center for Environmental Law and Policy (YCELP)

¹¹ Lupez & Mitra

مالیاتی و یارانه ای مناسب و سایر اقداماتی که منجر به بهبود محیط زیست می شود، در مقابل مردم پاسخگو باشند (متفکری آزاد و محمدی، ۱۳۹۱).

۴. کارآفرینی سبز و بهبود عملکرد زیست محیطی

در توسعه پایدار، کسب و کارها باید برای اهداف زیست محیطی و اجتماعی در مقابل اهداف اقتصادی، اهمیت یکسان قائل شوند (هال و همکاران^{۱۲}، ۲۰۱۰) لذا باید به گونه ای از منابع استفاده نمود که فرصتهای نسل بعدی تخریب نشود. پس برای کاهش این مشکل کارآفرینان، مخصوصاً کارآفرینان زیست محیطی به دنبال نوآوری هایی هستند تا محصولات و خدمات پایدار تولید نموده و یا تولیداتشان سازگار با محیط زیست باشد.

۵. مدل خودسازماندهی جامعه در کارآفرینی سبز و بهبود عملکرد زیست محیطی

خودسازماندهی فرایندی است که در طی آن سازمان یافتگی درونی یک سیستم به سمت پیچیدگی افزون تر تکامل میابد بدون اینکه توسط عوامل بیرونی، هدایتی یا اعمال مدیریتی بر روی آن صورت گرفته باشد (قربانی و عدالتیان شهریاری، ۱۳۹۵). بسیاری از سیستمهای طبیعی بر طبق فرایندها و قانون درونی خودشان و در پی خودسازماندهی است که ساختارمند و نظامدار می شوند. خودسازماندهی فرایندی است که در آن شکلی از نظم از اثرات متقابل بین قسمت‌های یک سیستم بدون نظم اولیه پدیدار می شوند.

براساس نظریه مارکس، جامعه دارای زیربنا و روبناست بطوریکه نیروهای اقتصادی زیربنا و افکار، آداب، رسوم، نهادهای حقوقی، سیاسی، مذهبی و غیره روبنا هستند. زیربناها، اساساً از نیروها و روابط تولیدی تشکیل شده و حال آنکه نهادهای حقوقی و سیاسی و همچنین طرز فکرها، ایدئولوژیها، همه، جزو روبنا هستند (اسدی نژاد جمالی، ۲۰۱۵).

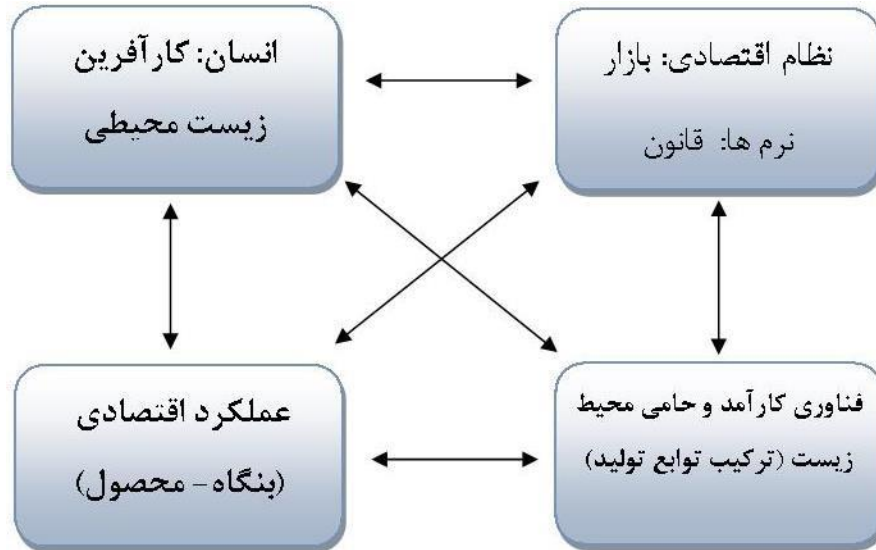
در مقابل نظرات مارکس، برای نخستین بار آقای تیتو مدل خودسازماندهی را در مسائل اقتصادی مطرح نمود و بر همین اساس بنگاههایی را بصورت خودگردان تاسیس نمود تا خودشان نسبت به دخل و خرجشان متعهد بوده و بهره وری بیشتری را ایجاد نمایند (قربانی و عدالتیان شهریاری، ۱۳۹۵). با طرح این مدل در اروپا، در سال ۱۹۹۶- آقای پیترو وایز^{۱۳}- برای تشریح تکامل و خودسازماندهی قوانین توسعه اقتصادی از فرآیند خود سازماندهی استفاده کرد و بیان نمود که اگر ما اقتصاد را به عنوان یک فرایند اجتماعی-اقتصادی، برگشت ناپذیر و زمان بر تعریف کنیم که در آن اقتصاد خود را بازعمل آوری نموده و عناصر خود را تغییر می دهد، متوجه می شویم که اصل خودسازماندهی مسئول تکامل است. فرایندهای خودسازماندهی- در واقع- قوانین تکامل اقتصادی را تشکیل داده و یا نابود و مجدداً بازسازی می نماید (وو و نان^{۱۴}، ۲۰۱۹).

¹² Hall

¹³ Peter Weise

¹⁴ Wu & Nan

از آنجائیکه مدل خودسازماندهی تبدیل به فراگرد تکاملی می شود با تغییراتی در آن به عنوان مدل پایه مفهومی برای مباحث کارآفرینی زیست محیطی و بهبود عملکرد در این مقاله مورد بررسی قرار می گیرد تا به یک مدل مفهومی در این خصوص برسیم.



شکل ۳- مدل مفهومی خودسازماندهی برای مباحث کارآفرینی سبز (Weise, 1996)

حال برای درک بهتر مدل به تشریح عناصر آن می پردازیم:

۵-۱. انسان کارآفرین

برای درک مفهوم انسان مفروض کارآفرین زیست محیطی، ابتدا انسان مفروض اقتصادی و انسان مفروض علوم اجتماعی را می بایست معرفی نماییم. انسان مفروض هر مکتب، تعیین کننده نگاه و دیدگاه آن مکتب است. منظور از «انسان مفروض اقتصادی»، انسانی است که فاقد احساس و دارای عقلانیت بوده و کاملاً منطقی و عقلانی است. این انسان، تنها به نیازهای خود فکر می نماید. او به هنگام خرید، کالایی را انتخاب می نماید که مطلوبیت را حداکثر کند و حداکثر نیازهایش را پوشش دهد. وی در مقام تولید کننده محصولاتی را تولید می نماید که بازار هدف مناسبی داشته باشد. انسان اقتصادی، انسانی آزاد است که خودخواهانه، بدون هرگونه عشق و تنفر و احساس، فقط تمایلات خود را در استفاده کردن از منابع تحقق بخشیده و با انسانهای دیگر، فقط رابطه ای در حد مبادله ارزشهای برابر، برقرار می نماید (عدالتیان شهریاری، ۱۳۸۶).

«انسان مفروض علوم اجتماعی»، انسانی است که در قالب هنجارها، نرم ها و ارزشهای جامعه رفتار می کند. از خود اختیاری ندارد و همه رفتارهایش در چارچوب های اخلاقی و اجتماعی بوده و همگی قابل پیش بینی هستند. انسان مفروض اجتماعی نیز، غیرقابل اطمینان است چون خود را با نبایدها و بایدها هماهنگ نموده و با هر تغییری در قانون، رفتارهای وی نیز تغییر می کند (قربانی و عدالتیان شهریاری، ۱۳۹۵).

و اما «انسان مفروض کارآفرینی» انسان مفروض ما در کارآفرینی، ترکیبی از هر دو انسان اقتصادی و انسان علوم اجتماعی است. در واقع این انسان اقتصادی - اجتماعی، نه بر اساس مطلوبیت نهایی یا پیش بینی آینده که براساس هزینه جایگزینی یا هزینه فرصت از دست رفته تصمیم می گیرد و با در نظر گرفتن قیمت ها و هنجارها به طور همزمان عمل میکند.

انسان کارآفرین مد نظر ما، یک انسان اقتصادی-اجتماعی است که نقش اجتماعی آن پررنگ تر از نقش اقتصادی اش بوده بدلیل اینکه کارآفرینی، در عمل ارزش آفرینی است. هرچند که معیار سود نیز برای وی بسیار با اهمیت است (قربانی و عدالتیان شهریاری، ۱۳۹۵).

فرصت در دیدگاه های اقتصادی اغلب به عنوان هزینه فرصت بکار رفته است. مفهوم هزینه فرصت در اقتصاد به زبان ساده هزینه از دست دادن فرصتی است که به خاطر اتخاذ یک تصمیم دیگر به تصمیم گیرنده تحمیل میشود (کسون و ویدسون^{۱۵}، ۲۰۰۷). ضمن اینکه برای یک کارآفرین، این یک اصل است که عمل کارآفرینی را بر اساس هزینه و فایده براساس پیش بینی برای آینده انتخاب نماید. در واقع «هزینه بدلیل» یا «هزینه فرصت» ریشه رفتاری انسان کارآفرین است. نکته مشترکی که در اکثر تحقیقات مربوط به تشخیص فرصت به چشم میخورد تأکید بر نقش کلیدی - اطلاعات در شناسایی فرصت - توسط افراد است. کارآفرین باید بتواند به طریقی اطلاعات مربوط به صنایع خاص، تکنولوژیهای در دسترس، بازار و سیاستهای دولت را به دست آورد، تفسیر کند و در جهت ایجاد و رشد آن ها خود از کسب و کار استفاده کند.

کارآفرین زیست محیطی (کارآفرین سبز) به معنی فردی است که با حفظ محیط زیست و ترجیح دادن آن به منافع شخصی، رفتاری کارآفرینانه دارد. کارآفرینان زیست محیطی علاوه بر ویژگی های عمومی کارآفرینی (خلاقیت و نوآوری، ریسک پذیری، استقلال، پیشگام بودن)، دارای ویژگی های مشترکی نیز هستند که شامل موارد ذیل است (کاره، ۲۰۰۳):

- ❖ تلاش برای دستیابی به توسعه پایدار
- ❖ نوآوری در خلق راه حل های قابل قبول با هدف پاسخگویی تقاضاهای مخالفی که ایجاد می شوند
- ❖ بکارگیری عوامل طبیعی و منبع یابی در تولید محصولات پاک و انتخاب بسته بندی سازگار با محیط زیست (محصولات سالم یا ارگانیک)
- ❖ تولید محصولات پاک، افزایش کارایی های زیست محیطی (فرایندهای زیست محیطی)
- ❖ مسئولیت پذیری زیست محیطی و فرهنگ مشترک و عضویت در انجمن های محیط زیستی (ارزشهای سالم).

۲-۵. عملکرد اقتصادی (بنگاه-محصول)

امروزه عملکرد زیست محیطی بنگاهها و پیروی از قوانین زیست محیطی، یک مزیت رقابتی برای بنگاهها محسوب می گردد (تسنگ^{۱۶} و همکاران، ۲۰۱۳) فلذا سازگار بودن هرگونه نوآوری با ملاحظات زیست محیطی حائز اهمیت است.

در عملکرد اقتصادی هر دو سطح بنگاه و محصول مورد مطالعه قرار می گیرد. ضمن اینکه، تمایلات بیشتر شرکت ها برای درگیر شدن در فعالیت های پایدارمحور، حفظ شهرت، جلوگیری از خدشه به این اعتبار و از همه مهمتر دستیابی به مزیت رقابتی از طریق ارائه فرصت های نوآورانه، توسعه بازار و بهبود کارآیی هزینه است (هارمون و همکاران^{۱۷}، ۲۰۱۲).

در نگاه ایده آل به موضوع، می توان گفت که در بنگاهها به جهت دستیابی به حداکثر سود، فقط توجه به مسائل بنگاه می بایست صورت گیرد اما دقت در این نکته ضروری است که هر بنگاهی علاوه بر سود، می تواند با ملاحظه جنبه های اخلاقی و اجتماعی، شهرت و اعتبار نیز برای خود کسب نمایند. فلذا بنگاههایی که از روشهای پایدار در فرایندهای خود بهره می جویند از فرصتی مطلوب در مقایسه با سایر رقبا برخوردارند.

۳-۵. فناوری کارآمد و حامی محیط زیست (ترکیب توابع تولید)

ایجاد و توسعه تکنولوژی در سطح بنگاهها از شرایط کشور و اقتصاد تاثیر می پذیرد. از طرفی همانطور که توابع تولید که ترکیبی از سه عامل: سرمایه، نیروی کار و زمین می باشد، مورد توجه سیاستهای نهادها، دولت و بنگاه است، تکنولوژی نیز نیاز به سیاستهای حمایتی در شرایط نامتعادل اقتصادی دارد چراکه در زمره سرمایه های واقعی بنگاه قرار می گیرد و نهایتاً در شرایط نامتعادل اقتصادی پس از دوران گذار، عامل تعیین کننده بقا و سودآوری بنگاه می باشد.

به موجب ضرورت و اهمیت سازگاری نوآوری با مسائل زیست محیطی، مفهوم جدیدی تحت عنوان نوآوری سبز پدید آمده، بدین معنی که هرگونه نوآوری باید سهمی در ارتقای بهره وری زیست محیطی سازمان داشته باشد (مورات آر^{۱۸}، ۲۰۱۲).

مروتی شریف آبادی و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعات خود، نوآوری سبز را متشکل از چهار بعد - به شرح جدول ۱- معرفی نمودند.

¹⁶ Tseng

¹⁷ Harmon

¹⁸ Murat

جدول ۱- ابعاد نوآوری سبز (مروتی شریف آبادی و همکاران، ۱۳۹۳)

نوآوری مدیریتی سبز	قابلیت سازمان در توسعه و پیاده سازی پروژههای سبز همانند سیستمهای مدیریت زیست محیطی
نوآوری محصول سبز	بهبود کیفیت محصول و ایجاد تنوع در آن، همزمان با توجه به ملاحظات زیست محیطی
نوآوری فرایند سبز	بهبود فرآیندهای موجود و توسعه فرآیندهای جدید با هدف افزایش بهره وری فرآیندهای درون سازمانی
نوآوری فناورانه سبز	سرمایه گذاری در تهیه تجهیزات و ماشین آلات سبز و به کارگیری فناوریهای پیشرفته سبز و اساساً منظور فرآیند تولید دانش فنی با هدف کاهش پیامدهای منفی زیست محیطی

ابعاد نوآوری سبز

با توجه به اینکه بسیاری از فناوری های نوین عواقب زیست محیطی به دنبال دارند و منجر به وارد شدن خسارات جبران ناپذیری به اکوسیستم می شوند، این نوع فناوری ها ارزش و بهای خود را از دست داده و امروزه سازمانها آمادگی دارند فقط در فناوریهای جدیدی سرمایه گذاری کنند که اینگونه پیامدها را به دنبال نداشته باشند (تسنگ و همکاران، ۲۰۱۳).

۴-۵. نظام اقتصادی بازار (نرم ها: قانون)

نظام اقتصادی در واقع مجموعه ای از قواعد، اصول و نهادهایی است که فعالیتهای اقتصادی و روابط فیما بین آنها را تنظیم می نماید. با رجوع به ریشه اندیشه های نهادگرایی، ما به آدام اسمیت می رسیم که توجه ویژه ای به نهادها داشت. منظور از نهادها، مجموعه قواعد و قوانینی است که رفتار اقتصادی مردم را تعیین می کنند؛ به عبارت دیگر، رفتار اقتصادی جامعه در چارچوب نهادها معین می گردد. فلذا توسعه اقتصادی منوط به مناسب بودن نهادهای موجود در کشور خواهد بود (کریمی پور و سهرابی، ۱۳۹۵).

در کل بهره وری یک زیرنظام اقتصادی در چرخه خودسازماندهی که شامل موجودی منابع و فناوری است، تحت تاثیر فرهنگ و نهاد های جامعه است. در مدل پیشنهادی خودسازماندهی برای مبحث کارآفرینی سبز، عامل نظم دهنده و هماهنگ کننده را هم بازار و هم نرم ها که همان قانون است، در نظر گرفتیم.

کارآفرینان سبز همزمان با تعقیب پتانسیل های موجود در بازار و پذیرش ریسک، خود را ملزم به رعایت اصول زیست محیطی میدانند بطوریکه بنگاههای سبز از طریق کار با دولت های محلی (نهادها) که نیاز همیشگی به کالا و خدمات سازگار با محیط زیست دارند، به بازارها دسترسی یابند.

دولتها و نهادها می توانند با رفتارهای حمایتگراییانه خود از کارآفرینان سبز حمایت نموده و باعث سرعت بخشیدن به روند توسعه پایدار اقتصادی جوامع شوند. بطوریکه این حمایتها می توانند شامل موارد مطرح شده در جدول ۲ باشند.

جدول ۲- استراتژی توسعه کارآفرینی سبز (برزگری و زمانی، ۱۳۹۰)

تغییر انگیزه های مالیاتی	یعنی پاداش برای توسعه بنگاه سبز و تنبیه برای استفاده غیر منطقی از منابع طبیعی
توسعه انگیزه کارآفرینی سبز	توسعه خلاقیت و انگیزه کارآفرینی سبز در استانداردهای مدیریت بخش دولتی
توجه به سرمایه اجتماعی	استفاده از کارآفرینی زیست محیطی به عنوان یک ارزش و سرمایه اجتماعی
بازنگری در قوانین	بازنگری در قوانین به منظور تعهد بنگاه ها در قبال نتایج بنگاه های اقتصادی ناپایدار مثل اجباری شدن بازرسی زیست محیطی - ابلاغ دستورالعمل های مرتبط با فعالیت زیست محیطی - اجباری شدن برچسب - استقرار سیستم مدیریت زیست محیطی

۶. نتیجه گیری

بنگاه های اقتصادی سبز امکانات زیادی را هم برای محیط زیست و هم برای کارآفرینان سبز ایجاد می کنند. با این امر و با حمایت از منابع طبیعی، هزینه ها را کاهش داده و با ایجاد فضای جدید و متفاوتی در بازار در توسعه اقتصادی پایدار جوامع، به کارآفرینها کمک می کنند. با حمایت های مناسب و به جا، کارآفرینان از فرصت های ایجاد شده توسط شرکت های سبز بهره مند شده و آگاهی زیست محیطی مصرف کنندگان را ارتقا می دهند.

جوامع نیز از این طریق سود می برند زیرا مسئولیت تعهد زیست محیطی مشاغل کمتر متوجه سازمانهای دولتی بوده، از سوی دیگر از محیط زیست حمایت شده و مشاغل ارانه می شود که منجر به کاهش کیفیت زندگی نمی گردد. کارآفرینان شخصی به این امکانات برای اداره کمبودها و پیوستگی اطلاعات مجهز می شوند. مشارکت طبقه کارآفرینان شخصی و برنامه هایشان نقش مهمی را در اشتغال افراد در بنگاه های سبز دارد، آنها را با منابع لازم ارتباط داده و به آنها در تبدیل منافع زیست محیطی کسب و کارشان به سرمایه کمک می کند.

در عصر حاضر، اکثر جوامع و سازمان ها به دنبال تغییر، تحول و نوآوری در فرآیندها و ساختارهای خود بوده به این معنا که در پی روش های نوین کارا در این زمینه هستند. با توجه به بافتی که در حال حاضر بر دنیای کسب و کار سازمان ها حکمفرماست، سازمان ها ناگزیر از انجام تغییراتی در نگرش، دانش، رویکردها، رویه ها و نتایج مورد انتظار خود هستند.

هر انسان براساس امکان دریافت اطلاعات و قدرت تجزیه تحلیل از محیط و عوامل ساخته و پرداخته بشری که ناشی از نظام اقتصادی با مکانیزم هماهنگ کننده بازار و همچنین ارزشها که در اینجا قانون هستند، براساس منافع خود و هزینه های مختلف رفتاری، رفتارهای مشخصی را بروز می دهد که جمع این رفتارها بر روی منابع تولید و فناوری ها تاثیر گذاشته، ضمن اینکه این تاثیر گذاری هم روی بازار و هم روی ارزشها اثر داشته و باز این عوامل بر روی عملکرد اقتصادی موثر بوده و این چرخه ادامه می یابد. بر اثر تاثیر این عوامل بر روی یکدیگر در طول زمان در هر جامعه ای به

یک حالت خود سازماندهی می رسیم. در این حالت نرم ها یعنی قانون با ثبات می شود. این سازماندهی که در طول زمان شکل گرفته را نمی توان به آسانی اصلاح و یا تغییر داد.

۷. منابع و مآخذ

۱. اسدی نژاد جمالی. (۲۰۱۵). کدام زیربنا، کدام روبنا؟ مارکس، دورکیم و وبر می گویند... فصلنامه نقد کتاب علوم اجتماعی، ۱(۳)، ۱۳۱-۱۴۱.
۲. برزگری، زهره و محسن زمانی، ۱۳۹۰، کارآفرینی سبز؛ نگرشی نوین در توسعه اقتصادی (موانع و محرک ها)، کنفرانس ملی کارآفرینی، تعاون، جهاد اقتصادی، ناین، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ناین.
۳. رضایی، بیژن، نادری، نادر، رستمی، سحر. (۱۳۹۷). ضرورت توسعه کارآفرینی سبز در بخش کشاورزی. کارآفرینی در کشاورزی. ۵(۱). ۱-۱۶.
۴. عبدالله زاده، غلامحسین، شریف زاده، محمد شریف. (۱۳۹۳). تلفیق پایداری در فرآیند کارآفرینی: تبیین مفهوم، ضرورت و ملزومات کارآفرینی پایدار گرا و کسب و کار سبز. کارآفرینی در کشاورزی، ۱(۳)، ۳۹-۶۳.
۵. عدالتیان شهریاری جمشید، مهندسی فرهنگ در حوزه اقتصاد، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال دوم، شماره ۱۲، شهریور و مهر ۱۳۸۶.
۶. قربانی، پرویز و عدالتیان شهریاری، جمشید، ۱۳۹۵، جهانی سازی کسب و کارها و مدل خودسازماندهی، کنفرانس بین المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسانی مدیریت و معارف اسلامی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی - انجمن علمی ارتباطات و تبلیغ حوزه علمیه.
۷. کریمی پور، مهدی و طهمورث سهرابی، ۱۳۹۵، نقش و تاثیر اقتصاد آزاد بر رشد و توسعه تکنولوژی بر اساس الگوی خود سازماندهی، کنفرانس بین المللی مهندسی صنایع و مدیریت پایدار، اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لنجان.
۸. متفکر آزاد، محمدعلی، محمدی خانقاهی، رباب. (۱۳۹۱). بررسی اثرات رشد اقتصادی، مصرف انرژی و درجه باز بودن تجاری بر کیفیت محیط زیست در ج. ا. ایران. پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران ۱(۳)، ۸۹-۱۰۶.
۹. مقیمی، سید محمد و دیگران. (۱۳۹۶). نظریه های کارآفرینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. مروتی شریف آبادی، علی، نمک شناس جهرمی، مهسا، ضیایی بیده، علیرضا. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر ابعاد نوآوری سبز بر عملکرد سازمان. مطالعات مدیریت صنعتی ۱۲(۳۳)، ۲۵-۴۲.
۱۱. هایامی، یوجیرو. (۱۳۹۴). اقتصاد توسعه: از فقر تا ثروت ملل (نسخه چهارم). غ. آزاد (ارمکی)، (مترجم) تهران: نشر نی.

12. Berle, G. 1991. *The Green Entrepreneur: Business Opportunities That Can Save the Earth and Make You Money*, Liberty Hall Press, Blue Ridge Summit Pennsylvania.

13. Bennett, S.J. 1991. *Ecopreneuring: The Complete Guide to Small Business Opportunities from the Environmental Revolution*, New York: Wiley.

14. Casson, M., & Wadeson, N. (2007). The discovery of opportunities: Extending the economic theory of the entrepreneur. *Small Business Economics*, 28(4), 285-300.

15. Dean, T.J., and McMullen, J.S. 2007. Toward a theory of sustainable entrepreneurship: reducing environmental degradation through entrepreneurial action. *J Bus Venturing*, 22: 50-76.
16. Fox, J. M. (2005). *Organizational entrepreneurship and the organizational performance linkage in university extension* (Doctoral dissertation, The Ohio State University).
17. Hall, J.K., Daneke, G.A., and Lenox, M.J. 2010. Sustainable development and entrepreneurship: Past contributions and future directions, *Journal of Business Venturing*, 25: 439-488.
18. Harmon, J., Fairfield, K., Wirtenberg, J., and Russell, W. 2012. First Annual Survey of New Jersey Business Sustainability. *Institute for Sustainable Enterprise and PublicMind*. Fairleigh Dickinson University.
19. Khare, Dr. Anshuman (2003). *Ecopreneurs: The Changing Role of Entrepreneurs*. Athabasca University: Japan.
20. Lopez, Ramon and Siddhartha Mitra (2000), "Corruption, Pollution and the Kuznets Environment Curv", *Jurnal of Environmental Economics and Management*, No. 40, pp. 137-150,
21. Murat Ar, I. (2012). The impact of green product innovation on firm performance and competitive capability: the moderating role of managerial environmental concern. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 62, 854-864.
22. Nikolaoua, E.I., Ierapetritis, D., and Tsagarakis, K.P. 2011. An evaluation of the prospects of green entrepreneurship development using a SWOT analysis. *International Journal of Sustainable Development and World Ecology*, 18(1): 1-16.
23. Tseng, M.-L., Wang, R., Chiu, A., Geng, Y., & Lin, Y. (2013). Improving performance of green innovation practices under uncertainty. *Journal of cleaner production*, 40, 71-82
24. Wallenberg, P. 2012. Barriers and Triggers to Green Entrepreneurship: An Exploratory Study, Thesis to obtain the degree of Master of Science in Economics and Business Economics, *specialisation Entrepreneurship and Strategy Economics*, Erasmus University Rotterdam Erasmus School of Economics
25. Weise, P. (1996). Evolution and Self-Organization. *Journal of Institutional and Theoretical Economics (JITE) / Zeitschrift Für Die Gesamte Staatswissenschaft*, 152(4), 716-722.
26. Wu, K., & Nan, Q. (2019). *Information Characteristics, Processes, and Mechanisms of Self-Organization Evolution*. Complexity, 2019.

The Role of Green Entrepreneurship on Environmental Performance

«Based on the Model of Self-Organization»

Leila Mivehchi*¹

Jamshid Edalatian Shahriari²

Date of Receipt: 2020/02/12 Date of Issue: 2020/02/15

Abstract

The importance of the term green entrepreneurship in the fields of entrepreneurship and environmental economics is to the extent that environmental economists, on the one hand, consider market failures to be the most important causes of environmental pollution and on the other hand, entrepreneurial literature suggests that market failures play an important role in exploiting new opportunities offered by leading entrepreneurs. In this paper, we introduce green entrepreneurship and its role in improving environmental performance under the self-organization model cycle. Subsequently, the key elements of this cycle, such as related institutions and rules, efficient technology, and performance improvement, are discussed. Moreover, models for green entrepreneurship discussions, attention to environmental technology and the impact of institutions (laws and markets) have been the focus of the results of this research.

Keyword

Green Entrepreneurship, Environmental Performance, Self-Organization.

1. Ph.D. Candidate in Entrepreneurship, Faculty of Management and Economics, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran

(*Corresponding Author: leila.mivehchi@gmail.com)

2. Assistant Professor, Department of Management, Islamic Azad University, Tehran Branch, Tehran, Iran (dr.edalatian@yahoo.de)